

پدیده‌شگفت‌انگیزعالم‌آفرینش

درباره فاطمه زهرا‏ﷺ آنچه من می‌توانم عرض کنم، این است که ابن بزرگوار، ابن بانوی جوان از شگفتی‌های آفرینش است. اگر ابعاد وجودی فاطمه زهرا‏ﷺ را انسان بتواند احصا کند و ببیند، یقین می‌کند که این یک پدیده شگفت‌انگیزی است در آفرینش عالم؛ یک چنین موجودی [است]. دختر جوانی که در اوایل جوانی ـ یعنی ایشان طبق یک روایتی در هجده‌سالگی شهید شده‌اند، طبق یک روایت هم تا بیست سال و بیست‌ودو سال و مانند اینها هم گفته‌اند؛ به هر حال آنچه درباره ابن بزرگوار از طرف پیغمبر یا دیگران گفته شده، مربوط به یک دختر هفده هجده ساله است ـ از لحاظ معنوی و رتبه هویت ملکوتی و جبروتی به جایی برسد که خشم او موجب خشم خدا بشود، خشنودی او مایه خشنودی خدا بشود. این روایت را، هم شیعه نقل کرده، هم سنی‌ها نقل کرده‌اند؛ در روایت کتب شیعه این‌جور است که «إِنَّ اللَّهَ يَغْضَبُ لَغَضْبِ فَاطِمَةَ وَ يَرْضَى لِرِضَاهَا» این عبارت کتاب‌های ماست. در کتب اهل سنت، همین روایت خطاب پیغمبر به خود فاطمه زهرا است که پیغمبر به فاطمه ‏ﷺ فرمود: یا فَاطِمَةُ إِنَّ اللَّهَ لَيَغْضَبُ لِعِصْبِكَ وَ يَرْضَى لِرِضَاكَ؛ با خشنودی تو خدا خشنود می‌شود، با خشم تو خدا خشمگین می‌شود. خیلی چیز عجیبی است! این‌جور نیست که بگویم این بنده بلندمرتبه هر جایی که خدا خشمگین است او هم خشمگین می‌شود؛ نه، عکس قضیه است؛ هر جا او خشمگین بشود، خدا خشمگین می‌شود. عظمت را ببینید!

در سختی‌ها، غمگسار پیغمبر؛ در جهاد، همراه امیرالمؤمنین ‏ﷺ؛ در عبادت، خیره‌کننده چشم‌فرشتگان؛ در سیاست، شریانه آن خطبه‌های فصیح و بلیغ و آتشین. در خطبه‌های فاطمه زهرا‏ﷺ چه آنچه در مسجد بیان کردند، در مقابل مهاجر و انصار، چه آنچه با زنان مدینه در میان گذاشتند. هم سیاست هست، هم معرفت هست، هم شکایت هست، هم منقبت [هست]؛ همه چیز ـ یک چیز فوق‌العاده‌ای است ـ آن هم در بهترین و عالی‌ترین الفاظ، شبیه خطبه‌های نهج‌البلاغه؛ تربیت‌کننده امام حسن، تربیت‌کننده حسین‌بن‌علی، تربیت‌کننده زینب؛ ببینید! این خصوصیات کنار هم که قرار می‌گیرد، حقاً و انصافاً یک شگفتی عظیم عالم وجود را به انسان نشان می‌دهد. کودکی او الگو است، جوانی او الگو است، ازدواج او الگو است، سیره زندگی او الگو است؛ همه اینها برترین الگوهایی هستند که نشان‌دهنده قله زن مسلمان محسوب می‌شوند؛ این قله است. اسلام، زنان مسلمان را، [همه‌ی] زنان را به سمت این قله دعوت می‌کند؛ درست است که همه نمی‌توانند برسند، لکن می‌توانند به آن سمت حرکت کنند. ضمناً این، زیباترین و شیواترین و گویاترین سخن درباره الگوی زن مسلمان است که حالا این خانم‌ها تعبیر کردند به «الگوی سۆم». فاطمه زهرا یک الگو است. این چند کلمه‌ای در مورد حضرت صدّیقه طاهره ‏ﷺ.

بی‌صدافتی وریاکاری

روش همیشگی استعمارگران و سرمایه‌داران غربی

و اما در مورد مسئله زن. خب امروز در دنیا مسئله زنان از جنبه‌های مختلف مطرح است. هر مجموعه‌ای هر گوشه‌ای از دنیا با یک انگیزه‌ای، با یک جهت‌گیری‌ای درباره مسئله زن بحث می‌کنند و حرف می‌زنند. در این مسئله زن هم، سرمایه‌داران عالم و سیاست‌مداران عالم ـ که همان سیاست‌مداران هم متکی به آن سرمایه‌دارانند ـ مثل همه مسائل سَبک زندگی دخالت می‌کنند. امروز و دیروز، سیاست‌مداران عالم و سرمایه‌داران عالم ـ همان‌هایی که منشأ استعمار در دنیا بودند ـ در همه مسائل مربوط به سَبک زندگی بشر دخالت می‌کنند؛ رسانه هم دارند ـ مؤثرترین رسانه‌های دنیا در اختیار آنهاست ـ و زبان رسانه را هم بلدند. انگیزه آنها، انگیزه دخالت سرمایه‌داران عالم و استعمارگران در مسئله زن، یک نگاه نظری و فلسفی نیست. این‌جور نیست که آنها یک نظریه فلسفی‌ای در مورد زن دارند و می‌خواهند آن را ترویج کنند؛ نه، این نیست. یک احساس انسانی هم نیست؛ این‌جور نیست که اینها احساس می‌کنند که زن در مواردی در دنیا ضعیف واقع شده، می‌خواهند حمایت کنند، احساسات انسانی‌شان به جوش می‌آید؛ نه، این هم نیست. انجام یک وظیفه اجتماعی و مردمی هم نیست؛ اینها انگیزه دخالت سیاست‌مداران و سرمایه‌داران نیست. انگیزه چیست؟ انگیزه، دست‌انزاری سیاسی و استعماری است. وارد می‌شوند برای اینکه مقدماتی باشد و پوششی باشد در جهت دست‌اندازی بیشتر، دخالت بیشتر، گسترش بیشتر منطقه نفوذ خودشان. این انگیزه در واقع جنایتکارانه را، انگیزه فسادانگیز را در زیر یک ظاهر فلسفی، در زیر یک ظاهر نظری، در زیر یک ظاهر انسان‌دوستانه پنهان می‌کنند. این، بی‌صدافتی غربی‌هاست؛ بی‌صدافتی سرمایه‌داران غربی است که امروز بر دنیا مسلطند. این بی‌صدافتی، در قضایای مختلف دیده شده؛ همین بی‌صدافتی را، این دروغ‌گویی را، این ریاکاری را ما در مسائل گوناگونی، در عملکرد فعالان سیاسی و اقتصادی غربی دیده‌ایم.

بی‌صدافتی در خصوص آزادی زن و استقلال مالی زن

یک نمونه‌اش [اینکه] در حدود یک قرن پیش، مثلاً بحث آزادی زن و استقلال مالی زن مطرح کردند، که زن استقلال مالی داشته باشد یا آزادی داشته باشد؛ ظاهر خوبی داشت اما باطنش چه بود؟ باطنش این بود که کارخانچاشان احتیاج به کارگر داشت، کارگر مرد کافی نبود، می‌خواستند زن‌ها را برای کارگری بیاورند، آن هم با دستمزد کمتر از مردان؛ این باطن قضیه بود. این بیشتر در اروپا و در مجموعه‌های غربی شکل گرفت؛ این فقط مخصوص آمریکا هم نبود. این را در زیر یک ظاهر و یک پوشش انسان‌دوستانه‌ای پنهان کردند، به عنوان اینکه زن استقلال مالی داشته باشد، آزادی



امام خامنه‌ای در دیدار افشار مختلف بانوان تبیین نمودند

اصول مهم منشور حقوق زن در اسلام

وبی‌صدافتی‌های دشمنان اسلام

در آستانه سال‌روز ولادت حضرت زهرا‏ﷺ، هزاران نفر از زنان و دختران، با امام خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی دیدار کردند.

به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری، رهبر معظم انقلاب در این دیدار، ضمن تبیین اصول مهم منشور اسلام درباره زن، حضرت فاطمه زهرا‏ﷺ را از شگفتی‌های آفرینش خواندند و خاطرنشان کردند: به نظر من، این جلسه یکی از جلسات بسیار خوب و استثنائی‌ای است که این در حسینیّه تشکیل می‌شود؛ [جلسه‌ای با] این جمعیت عظیم از بانوان و دختران عزیز ما، با این احساسات پرشور و با این بیانات بسیار خوبی که گویندگان محترم، سخنران‌ها، خانم‌ها بیان کردند، حقاً و انصافاً یک جلسه به‌یادماندنی است.

داشته باشد، بتواند از خانه بیرون بیاید، بتواند کار کند؛ یعنی این بی‌صدافتی را آنجا هم بشریت دید.
بی‌صدافتی در مساله آزادی بردگان
یک نمونه دیگر که البته ربطی به مسئله زن ندارد، مسئله آزادی بردگان در آمریکا است؛ در اواخر قرن نوزدهم ـ در حدود ۱۸۶۰ ـ آمریکایی‌ها [توسط] آبراهام لینکلن که آن‌وقت رئیس‌جمهور آمریکا و از حزب جمهوری‌خواه بود، شعار آزادی بردگان را دادند؛ ظاهر قضیه این بود که بردگان باید آزاد بشوند ـ کمک هم می‌کردند و بردگان را از جنوب به صورت قاچاق می‌بردند به طرف شمال آمریکا [چون] بین شمال و جنوب جنگ بود ـ اما باطن قضیه این نبود؛ باطن قضیه این بود که جنوبی‌ها در کار کشاورزی بر کار مسلط بودند، [آنجا] زمین‌های کشاورزی بود و بردگان در این زمین‌ها به صورت مجانی کار می‌کردند؛ ترده بودند، با [حقوق] بخور و نمیر. شمالی‌ها تاز به صنعت دست پیدا کرده بودند و احتیاج به کارگر داشتند؛ کارگر به اندازه لازم وجود نداشت، مایل بودند از این بردگان به عنوان کارگر در کارخانه‌شان استفاده کنند؛ راهش این بود که بگویند شماها آزادید، بیایید اینجا در کارخانه کار کنید؛ در واقع، از بردگی کشاورزی و مزرعه، آنها را به بردگی کارخانه‌کشاندند؛ باطن قضیه این بود. این بی‌صدافتی غربی‌هاست.
امروز هم همین‌جور است. در این جنجال‌های موجود دنیا در زمینه زن، مسئله فمینیسم، مسئله حقوق زن، مسئله آزادی زنان و حقوق زنان، ظاهر کار است؛ پشت اینها سیاست‌هایی هست، انگیزه‌های ناسالمی وجود دارد. حالا [اینکه] آن انگیزه‌ها چیست، بعضی‌اش را امروز ما می‌دانیم، بعضی‌را هم بعداً خواهیم دانست، بعداً کشف خواهد شد؛ لکن انگیزه، انگیزه انسانی و بشری نیست. این بی‌صدافتی، امروز هم وجود دارد. انگیزه‌ها صرفاً سیاسی است، صرفاً استعماری است، وسیله نفوذ است که البته حالا بحث در این باره مربوط به این جلسه کنونی ما نیست.

اصول مهم منشور زن در اسلام

خب حالا ما در قبال یک چنین وضعیتی در دنیا هستیم که کسانی درباره مسئله مهم «زن» بحث می‌کنند، ولی صداقت ندارند در این بحث. ما به عنوان مسلمان، درباره مسئله «زن» می‌خواهیم حرف بزنیم، بحث کنیم، منطق ارائه بدهیم، بین خودمان آن منطق را جا بیندازیم و بر طبق آن منطق عمل کنیم. این وظیفه ما است و امروز باید این کار انجام بگیرد؛ البته از اول انقلاب باید انجام می‌گرفته و مبالغ زیادی هم کار شده، لکن کار را باید تمام کرد؛ باید کامل کرد.

من چند نکته را در این زمینه عرض می‌کنم.

زوجیت اولین اصل مهم منشور زن در اسلام

اگر ما بخواهیم یک منشوری از دیدگاه اسلام درباره زن تنظیم کنیم که موادی داشته باشد این منشور، به گمان من، اولین موضوعی که در این منشور باید بیاید مسئله «زوجیت» است. یعنی چه؟ یعنی زن و مرد زوجند، مکمل یکدیگرند، زن و مرد برای هم خلق شده‌اند. این در قرآن بصراحت بیان شده: وَ اللَّهُ جَعَلَ لَكُم مِّنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا؛ این خطاب «جَعَلَ لَکُم» ـ برای شما قرار داد ـ خطاب به مردها نیست، خطاب به بشر است؛ زن و مرد. وَ اللَّهُ جَعَلَ لَكُم مِّنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا؛‌ای افراد بشر! خدا از جنس خود شما برای شما زوج قرار داده است. حالا «زوج» فقط به مرد گفته نمی‌شود؛ در قرآن، کلمه «زوج»، هم برای مرد به کار رفته، هم برای زن. من آیه‌اش را هم یادداشت کرده‌ام: [آیه‌ای] که «زوج» درباره «زن» به کار رفته: یا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَ زَوْجُكَ الْجَنَّةَ؛ زوج، اینجا درباره همسر زن هست؛ فرد زن. در یک جای دیگری [میفرماید]: «قَدْ سَمِعَ اللَّهُ قَوْلَ الَّتِي تُجَادِلُكَ فِی زَوْجِهَا»؛ اینجا «زوج» درباره «مرد» به کار رفته. بنابراین، از جنس شما، زوج برای شما آفریدیم. البته این مخصوص بشر هم نیست. این را هم من در حاشیه بحث بگویم که البته باید اهلیش این را دنبال کنند.

در اسلام، بنا بر نظریه اسلام، بنای عالم خلقت و تاریخ بشر و تاریخ عالم بر تلائم و ازدواج و پیوند است؛ درست نقطه مقابل آنچه در دیالکتیک هگل و مارکس و مانند اینها وجود دارد که بنای عالم را بر تضاد می‌دانند. آنها می‌گویند شینی به وجود می‌آید، ضدّ او به وجود می‌آید، از این تضاد یک شیء سومی به وجود می‌آید که باز برای آن هم ضدّی به وجود می‌آید تا آخر؛ تاریخ این‌جوری پیش می‌رود. اسلام می‌گوید نه، شینی به وجود می‌آید، شینی برای همراهی و اتلاف با او به وجود می‌آید که از همراهی این دو، از اتلاف این دو، از زوجیت این دو، شئی سومی به وجود می‌آید؛ تاریخ این‌جوری پیش می‌رود. که البته عرض کردم این را بایستی اهلیش فکر کنند، دنبالش کنند، سرشته‌ای را بگیرند و پیش بزنند ببینند به کجا می‌رسند؛ مسئله مهمّی است.

خب پس در مورد انسان، خدای متعال زن و مرد را زوج آفریده؛ یعنی مکمل یکدیگر. معنای زوجیت، لازمه زوجیت این است که یک واحد تشکیل بشود، ولاًّ زوجی نیست. دو واحد اگر چنانچه در کنار هم قرار گرفتند، با هم متحد و مؤتلف شدند، یک واحد سؤم به وجود می‌آید که آن عبارت است از خانواده؛ یعنی مسئله خانواده این‌جور مبنای فکری اسلامی دارد. خانواده یک سنت الهی است، یک سنت آفرینش است. اینکه مرد و زنی با هم سلام‌علیک کنند یا بیش از سلام‌علیک، از کنار هم عبور کنند، این، زوجیت نیست. زوجیت یعنی تشکیل یک واحد سؤم؛ تشکیل خانواده؛ این معنای زوجیت است. البته روی خانواده، هم در اسلام تکیه شده، خوشبختانه در ایران هم خانواده سنتی ایرانی یکی از نشانه‌های مهمّ قوت و عمق فرهنگی ملت ایران است. خب، پس بنابراین اولین ماده منشور اسلامی عبارت است از مسئله تشکیل خانواده، مسئله زوجیت، مسئله مکمل هم بودن زن و مرد که مکمل هم هستند.

عدم تفاوت بین زن و مرد

در حرکت معنوی و تعالی انسانی و دستیابی به حیات طیبه

موضوع دؤم این است که این زوج، این دو فرد برای رسیدن به حیات طَیِّبه ـ که رسیدن به «حیات طَیِّبه» هدف آفرینش انسان است ـ این زن و مرد هیچ تفاوتی با هم ندارند؛ هیچ‌کدام از دیگری برتر نیست. البته انسان‌ها یک‌جور نیستند؛ در بین زن‌ها، در بین مردها بعضی توانایی‌های بیشتری دارند، بعضی [از نظر توانایی] کم‌ترند، اما بین زن و مرد، به عنوان زن و به عنوان مرد، هیچ تفاوتی در رسیدن به حیات طَیِّبه وجود ندارد؛ این هم در قرآن هست: مَن عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنثَىٰ وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَیَاهُ طَیِّبَةً؛ زن و مرد اگر عمل صالح کنند، ایمان داشته باشند، یکسانند؛ این در سوره نحل است. یا در آن آیه شریفه سوره احزاب که من چند بار دیگر در جمع خانم‌ها این آیه را خوانده‌ام: ﴿إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَ الْمُسْلِمَاتِ وَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ وَ الْقَانِتِينَ وَ الْقَانِتَاتِ وَ الصَّادِقِينَ وَ الصَّادِقَاتِ وَ الصَّابِرِينَ وَ الصَّابِرَاتِ وَ الْخَاشِعِينَ وَ الْخَاشِعَاتِ وَ الْمُتَصَدِّقِينَ وَ الْمُتَصَدِّقَاتِ وَ الصَّائِمِينَ وَ الصَّائِمَاتِ وَ الْحَافِظِينَ وَ الْحَافِظَاتِ وَ الذَّكَّرِينَ وَ النِّكَارَ﴾؛ و فَوْجَهُمْ وَ الْحَافِظَاتِ وَ الذَّكَّرِينَ وَ النِّكَارَ؛ و الذَّكَّرَ»؛ ده خصوصیت بین زن و مرد است ـ در حرکت معنوی به سمت خدا، به سمت حیات طَیِّبه، به سمت تعالی انسانی در عوالم ملکوت و عوالم معنوی روحانی‌توحیدی بالا هیچ تفاوتی وجود ندارد؛ این هم یک اصل دیگری از اصولی که در این منشور باید گنجانده بشود.

حقوق اجتماعی و مشارکت سیاسی زنان در اسلام

موضوع بعدی این است که با اینکه در ظاهر زن و مرد از لحاظ جسمی تفاوت وجود دارد ـ این قدش بلندتر است، صدایش کلفت‌تر است ـ اما از لحاظ توانایی‌های فکری و روحی در هر دو جنس استعداد‌های بی‌نهایت وجود دارد و تفاوتی با همدیگر ندارند. یعنی در علم، زن و مرد هر دو



از پیغمبر سؤال می‌شود «مَن آنّی؟» یک نفری آمده سؤال می‌کند: به چه کسی خوبی کنم، نیکی کنم، ترجیح دارد؟ فرمود «أَمَّک»؛ به مادرت. گفت «نَمُّ»؛ بدش به چه کسی؟ باز فرمود به مادرت. دفعه سؤم پرسید بعد به چه کسی؟ حضرت فرمود به مادرت. سه بار گفت به مادرت! گفت بعد به چه کسی؟ گفت بعد به پدرت؛ یعنی پدر مرتبه چهارم است. یا یک نفر آمده بود می‌خواست برود جهاد ـ [البته] نیرو به قدر کافی وجود داشته در این داستان و در این قضیه ـ گفت مادرم راضی نیست، فرمودند خدمتِ مادرت را یکن، ثوابش از آن جهاد بیشتر است. البته عرض کردم این وقتی است که مَن به‌الکفایه وجود داشته باشد.

مسئله «مادری» این است.

اینکه در روایت دارد که «الْجَنَّةُ تَحْتَ أَقْدَامِ الْأُمَّهَاتِ»، «تَحْتَ أَقْدَامِ یک کنایه است، تعبیر کنایی است؛ «بهشت زیر پای مادر است» یعنی دم دست مادر است. شما بهشت می‌خواهید، بروید سراغ مادر؛ او بهشت را به شما خواهد داد. به او محبّت خواهد، به او مهربانی کنید، به او خدمت کنید، از او اطاعت کنید، به او احترام کنید، او بهشت را به شما خواهد داد. این هم یک ماده است.

خب حالا اینها چند نکته راجع به مسئله «زن» و نگاه به زن در اسلام، البته این منشور را اگر کسی بخواند تهته کند، شاید مثلاً سی ماده یا چهل ماده ـ ماده‌های مهم ـ در این منشور وجود داشته باشد که من چند موردش را عرض کردم.

رشد شگفت‌انگیز زنان مؤمن، دانا و فعال در عرصه‌های مختلف

پس از پیروزی انقلاب

ما در کشورمان، بر اساس این نگرش، خوشبختانه شاهد رشد زنان مؤمن و دانا و فعال، از اوّل انقلاب تا امروز بوده‌ایم. البته در اواخر سال‌های مبارزات، یعنی آن ماه‌های آخر یا سال آخر، آنجا هم حضور زنان یک حضور تعیین‌کننده بود؛ لذا امام ‏ﷺ به هیچ‌وجه کوتاه نیامدند. بعضی‌ها بودند که با حضور زنان در راهپیمایی مخالف بودند، امام به شدّت رد می‌کردند این فکر را، این نگاه را، این نظر را ـ حضور زنان مؤثّر بود؛ واقعاً مؤثّر بود ـ زن‌ها که وارد میدان شدند، مرد‌ها ـ حتّی آن بی‌تفاوت‌ها ـ احساس کردند که باید وارد میدان بشوند. زن‌ها که وارد میدان شدند، همسرانشان و فرزندان جوانشان احساس کردند که وظیفه دارند وارد میدان بشوند. به یک معنا، انقلاب را زن‌ها پیروز کردند.

صیانت از هویت و فرهنگ کشور توسط زن ایرانی

بعد از پیروزی انقلاب و تشکیل نظام جمهوری اسلامی هم، در بخش‌های مختلف، زن‌ها وارد میدان شدند. حالا مطالبی را این خانم‌ها بیان کردند؛ مطالب، بسیار متین و دقیق و حاکی از فکر برجسته و پخته بود. یقیناً در بین این جمعیت صد‌ها نفر با بیشتر از این قبیل صاحبان فکر حضور دارند و در کشور قطعاً جمعیت زیادی از بانوان، در مراتب علمی، فکری، نوآوری، ابتکار، اجتهاد درخشانده‌اند؛ یعنی واقعاً کار شده. زن ایرانی توانست از هویت کشور، فرهنگ کشور صیانت کند؛ توانست از سنت‌های تاریخی و اصیل کشور صیانت کند؛ با ثنات خودش، با حیای خودش، با غفّتی که به خرج داد. در دانشگاه وارد شد، در فعالیت‌های سیاسی وارد شد، در فعالیت‌های بین‌المللی وارد شد، اما فاسد نشد؛ [این] خیلی مهم است. تحت تأثیر عوارضی که ما می‌بینیم امروز در بسیاری از کشورهای غربی، زن‌ها دچار آن عوارضند، قرار گرفت و به آن عوارض دچار نشدند. زن ایرانی تا امروز این‌جور حرکت کرده، بعد از این هم ان‌شاءالله به همین ترتیب حرکت خواهد کرد. در حوادث بزرگ، زنان ما درخشیدند؛ در جنگ درخشیدند، در دفاع از حرم درخشیدند، در مبارزات سیاسی درخشیدند، در مراکز تحقیقاتی درخشیدند؛ در دانشگاه‌ها همین‌طور، در حوزه‌ها همین‌جور. آن وقت‌ها که در حوزه علمیه بودیم، یادم نمی‌آید که زنی به مرتبه اجتهاد فقهی رسیده باشد، اما [تو] خوش‌بختانه زن‌هایی که مجتهدان به اجتهاد فقهی رسیده‌اند که نیستند. بنده حتّی معتمد بسیاری از مسائل زنانه که موضوعش زنان هستند و مرد‌ها درست موضوع را تشخیص نمی‌دهند، باید خانم‌ها از مجتهد زن تقلید کنند. بنابراین در دوران انقلاب، پیشرفت بانوان در کشور ما، پیشرفت بسیار خوبی است. ما این‌همه دانشمند زن، هیچ‌وقت نداشتیم؛ این‌همه استاد دانشگاه زن، هیچ‌وقت نداشتیم؛ این‌همه شاعر زن، این‌همه نویسنده زن، این‌همه قومیت‌گرایی و مانند این چیزها ایران اسلامی را نمی‌توانند از یاد بیاورند، این‌ها را داریم؛ منتها توجه کنیم که دشمن هم بیکار نیست، دشمن هم مشغول طراحی است.

شعارهای دروغین و بی‌صدافتی‌های بدخواهان در خصوص زنان ایرانی

دشمنان نظام جمهوری اسلامی خیلی زود فهمیدند که با شیوه‌های سخت‌افزاری نمی‌شود انقلاب را شکست داد؛ رفتند سراغ شیوه‌های نرم‌افزاری. فهمیدند که با جنگ و بمباران و نیروهای فتنه‌گر و قومیت‌گرایی و مانند این چیزها ایران اسلامی را نمی‌توانند از یاد بیاورند، نمی‌توانند به زانو در بیاورند، رفتند سراغ شیوه‌های نرم. شیوه‌های نرم، تبلیغات است، وسوسه‌ها است، بی‌صدافتی‌هایی است که در شعارهایشان وجود دارد که انسان مشاهده می‌کند: اسم می‌گذارند، نام می‌گذارند به عنوان دفاع از زن، به عنوان دفاع از جامعه زنان، به عنوان دفاع از یک گروه زن، به عنوان دفاع از یک زن؛ به عنوان دفاع از یک زن که یک کشور اغتشاش راه می‌اندازند. از شیوه‌های نرم‌افزاری استفاده می‌کنند. دختران ما، بانوان ما، اساتید ما، دانشجویان ما، همه جامعه زنان بایستی در این زمینه خودشان را موظّف بدانند. یکی از خانم‌ها الاّن اینجا گفتند: «مَن اصْبَحَ وَ لَمْ يَهْتَمْ بِأَمْرِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ، مخصوص مرد‌ها نیست؛ شامل زن‌ها هم می‌شود؛» کاملاً درست است. یکی از امور مسلمین که باید به آن اهتمام ورزید، عبارت است از همین وسوسه‌ها و تدابیر موزیانه و شیوه‌های دشمنی روش‌های نرم و جنگ نرم برای انحراف از ارزش‌ها در بسیاری از مسائل و عمدتاً مسائل مربوط به بانوان و زنان، که این را متوجه باشید. این هم چند جمله راجع به زن.

آنکه ریشه‌کن خواهد شد، اسرائیل است

یک کلمه راجع به مسئله منطقه بگویم. در منطقه با این حرکتی که در سوره انجام گرفت و با جنایت‌هایی که رژیم صهیونیستی دارد انجام می‌دهد و جنایت‌هایی که آمریکا دارد انجام می‌دهد و کمک‌هایی که بعضی دیگر به اینها می‌کنند، خید کردند که قضیه مقاومت تمام شد؛ اینها سخت در اشتباه‌اند. روح استیل حسن نصرالله زنده است، روح سنوار زنده است؛ شهادت، روح را از عرصه وجود بیرون نبرد؛ جسم این‌ها رفت، روحشان باقی است، فکرشان باقی است، راهشان ادامه دارد. شما ببینید روزانه به غرّه دارد حمله می‌شود و شهید می‌گیرند، روزانه با هم باز ایستاده‌اند، باز هم مقاومت می‌کنند؛ لبنان مقاومت می‌کند. البته رژیم صهیونیستی به خیال خودش دارد خودش را از طریق سوره آماده می‌کند که نیروهای حزب‌الله را به خیال خود محاصره کند و ریشه‌کن کند، اما آن کسی که ریشه‌کن خواهد شد اسرائیل است. مادر کنار مبارزین فلسطین ایستاده‌ایم، در کنار مبارزان مجاهد فی سبیل‌الله حزب‌الله ایستاده‌ایم و از اینها حمایت می‌کنیم؛ هر چه بتوانیم به اینها کمک می‌کنیم؛ و امیدواریم ان‌شاءالله اینها ببینند آن‌روزی را که دشمن خبیث‌شان در زیر پای آنها لگدمال می‌شود.